

باز

نویسنده تکرار بی پایانشها

مهدي پيروزنيا

سرشناسه: پیروزییا، مهدی، ۱۳۴۳-
عنوان و نام پدیدآور: تکراری پایان تنهایی / مهدی پیروزییا.
مشخصات نشر: تهران: نشر نگارینه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۰-۰۸۴-۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century
رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۶
رده بندی دیویی: ۸۱۶۲/۸
شماره کتابشناسی ملی: ۷۳۳۹۹۲۹



نام کتاب: تکراری پایان تنهایی
سروده: مهدی پیروزییا
طراح گرافیک: منصور جام شیر
چاپ نخست: ۱۳۹۹ تهران
شمارگان: ۴۰۰ جلد

تهران، میدان هفت تیر، کوی نظامی، شماره ۲۵
واحد یک، کد پستی ۱۵۷۵۶۳۵۹۱۱
تلفن: ۸۸۳۱۰۰۷۱-۸۸۳۱۵۰۵۱-۸۸۲۸۷۸۸
دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۷۸-www.negarineh.ir
همه حقوق اثر فقط برای نشر نگارینه محفوظ است

ISBN: 978-964-230-084-6



سخن ناشر

شعر نو فارسی گونه‌ای از شعر در برابر شعر کهن فارسی است. از آن جا که در وزن عروض و قالب از شعر کهن پیروی نمی‌کند آن را شعر نو می‌نامند. شعر نو را به قالب‌های نیمایی و سپید تقسیم می‌کنند. "منظومهٔ افسانه" اثر نیما یوشیج را سرآغاز شعر نو می‌دانند. این‌گونه از شعر آزادی بسیاری در ساختار و محتوا به شاعر می‌دهد.

شعر نو همانند شعر کهن می‌تواند موزون باشد یا نباشد یا وزن آن عروضی باشد یا ناقص، استفاده از قافیه در شعر نو آزاد است. شعر سپید یا شعر شاملویی گونه‌ای دیگر از شعر نو است که در دهه سی خورشیدی با "مجموعهٔ هوای تازه" ظهور پیدا کرد و شاید بتوان آن را با شعر آزاد (فرانسه *vers libre*) در ادبیات کشورهای غربی مقایسه کرد و تفاوت عمده آن با شعر نیمایی در ساختار است. در این شیوه وزن عروضی رعایت نشده ولی آهنگ و موسیقی نمود دارد. در دسته‌بندی شعر نو فارسی، گاهی به هر شعر که در قالب شعر نیمایی نگنجد شعر سپید می‌گویند.

برخی از منتقدان شعر سپید را پالاینده‌ترین نوع شعر فارسی می‌دانند که خود را از همه چیز آزاد کرده است و یکی از دلایل عنوان

شعر سپید را خوانش سپیدی‌هایی آن می‌دانند که در فرایندار خوانند بازآفرینی می‌شود.

شعر نو فارسی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی ایران است که نه تنها تمامی تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی قرن را همراهی کرده، بلکه زبانی برای بیان آن‌ها بوده است.

قدمت شعر نو در ایران، یک صد سال و شعر سپید عمری ۶۰ ساله دارد که به نسبت تاریخ یک‌هزار و دویست ساله شعر کهن، زمانی فشرده است. شعر نو را می‌توان به‌عنوان یکی از قالب‌های شعری در کنار سایر قالب‌ها دانست و نباید آن را در تقابل با قالب‌های دیگر ارزیابی کرد.

مهم‌ترین عنصر ارتباطی در کارهای هنری ایجاد پرسش و کشف پاسخ آن در ذهن مخاطب است. چنین ترفندی را در شعر فارسی و به ویژه شعر نو بسیار می‌توان یافت. در شعر نو با ایجاد سفیدخوانی به این روش پرداخته می‌شود.

شعرهای این کتاب که در دو فصل ارایه شده نیز در گروه شعر نو قرار می‌گیرد و تلاش دارد فضا فراینداری در ذهن خواننده ایجاد کند تا به او حسی زیباشناسانه دهد. تصویرسازی که این شعرها ایجاد می‌کند فقط با واژه‌ها امکان‌پذیر است و در ذهن هر کس بنابر جهان‌بینی و درک او از واژه‌ها متفاوت خواهد بود.

فصل عاشقی



شاه‌واژه‌ی تمام شعرهای من تویی
 برای سرودن حس عشق
 به هیچ واژه‌ای نیاز نیست
 تو باشی و تپیدن پُراشتیاق قلب من
 کتاب شعر عشق
 خودش سروده می‌شود
 شاه‌واژه‌ی تمام شعرهای من تویی
 مرا به واژه‌ها نیاز نیست
 شعر اگر
 تمام حسِ بودن است
 کتاب شعر من یک واژه بیش نیست: تو
 شاعر: من

دل من
پرنده‌ای است
که آسمانش را ترک می‌کند
تا در قفس عشق تو
خود را محبوس کند
پر پر می‌زند برای اسارت
در قلب تو
یک روز در قفس عشق تو
زنده می‌شود
روزی در آسمانِ بی تو
می‌میرد
پرواز و عشقت را از یاد نمی‌برد

سکوت کنی راه را گم می‌کنم
صدا بزن مرا
بی هیچ شرمی از برهنگی
به خود بخوان مرا

باید واژه‌هایی نو بسازم
از الفبایی که تا کنون
کسی ندیده‌اش
باید آن واژه‌ها را کنار هم بچینم
تا شعری شود که تا کنون
کسی نخوانده‌اش
همه‌ی واژه‌ها
شعرها
نوشته‌ها
کهنه‌اند در پای تو

گیرم افسونگری تو

افسون چرا؟

من که دیری است

مسحور توام

تو اگر بخواهی
می توانی در آغوش بگیری مرا
و من می توانم احساس کنم
آغوشت را

بی آن که
به من نزدیک شوی
[حتی]
بی آن که به تو نزدیک شوم
[حتی]

□□□

نفس هایت
از بی نهایت دور هم
مست می کند مرا

حوا که می شوی

«تو»

آدمی هست که گول بهشت را بخورد؟

بگو

کدام سیب سُرخ را

باید از درخت بچینیم؟

بی‌راه دنیا است

راه

«عشق تو»

هزار بار چشم فرو بسته اگر

بی‌راهه روم

چشم باز کنم

عشق تو

تنها راهی است که با یقین می‌روم

فانوسی بیفروز

تا بینمت

آن گاه که شعله‌ی خواستن

کور می‌کند

چشمانم را

من و گنجشک‌ها

[زیر باران]

منتظرت نشسته‌ایم

برای گنجشک‌ها دانه بیاور

برای من بوسه

گنجشک‌ها گرسنه‌اند و من

تشنه

در هزارتوی اندیشه‌های من
چه می‌کنی؟
جای تو در حفره‌های قلب من است

دیدار ما

نجوا نبود

آواز بود

پایان نبود

آغاز بود